

دانشگاه امام صادق (ع)  
دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد  
پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

کاوشی در مفهوم اقتصاد اسلامی

نویسنده: امیر عباس فرنودی

استاد راهنما: قربانعلی دری نجف آبادی

استاد مشاور: اسدالله فرزین وش

سال تحصیلی: تابستان ۱۳۷۹

توصیفگر: ۱۱۳ ص . شماره بازیابی ۱۶۲ الف.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی / مفهوماها / روش شناسی

چکیده:

هدف از این پژوهش ، پاسخ به سوالاتی از این قبیل است که مفهوم اقتصاد اسلامی چیست ؟ آیا بین تئوریهای اقتصادی و اسلام ارتباطی متصور میباشد؟ آیا منظور از اقتصاد اسلامی ، علم اقتصاد اسلامی است ؟ و ... تحقیق حاضر که به روش کتابخانه ای انجام یافته ، در چهار فصل تنظیم شده است. فصل اول ، اختصاص به تعریف دین دارد. در فصل دوم ، گزاره های دینی تبیین می شود . در فصل سوم به حوزه فقه به صورت مبسوط تری پرداخته می شود . نهایتا در فصل چهارم ، اقتصاد وماهیت تئوریهای اقتصادی بررسی می شود . بر اساس یافته های تحقیق ، دین برنامه کامل هدایت بشر است و با نگرش درون دینی مجموعه عقاید ، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسانهاست. لذا باید حوزه این مقررات و به عبارتی ، وجوه افتراق و اشتراک آنها بیان گردد. فقه حکم

الهی را تعیین می کند و حوزه تخصص ، تشخیص موضوعات پیچیده و تطبیق عینیات جزئی و تشخیص آن مصادیق احکام کلی الهی است. تخصص و به عبارتی علم که در این تشخیص رکن اصلی است ، ارتباطی وثیق و جدی با جهان بینی دارد و به عبارتی کل علوم از جمله علم اقتصاد حاوی ارزشگذاری است و عینیت علمی صرف به این معنا که عاری از جهان بینی و ایدئولوژی خاصی باشد ممکن نیست. علاوه بر این علم اقتصاد ، علمی است تجویزی نه به این معنی که ذاتا رشته ای غیر علمی باشد. جهان بینی های مختلف حتی در علوم تجربی و طبیعی نیز تأثیر گذارند و از این حیث فرقی بین علوم اجتماعی و غیر آن نیست . چرا که اولاً پیش فرضهای متافیزیکی علم می تواند متأثر از جهان بینی دینی باشد و ثانياً بینش دینی در جهت گریه های کاربردی علم موثر است . علم که حاوی ارزشگذاری است ، مسلم این ارزشگذاری منشعب از جهان بینی دینی و یا غیر دینی است و لذا علم دینی یا اسلامی می تواند وجود داشته باشد . علم نمی تواند به طور صرف به توصیف پدیده ها بپردازد. اگر هم بتواند صرف توصیف پدیده ها ، کتابهای علمی را با کاتالوگهایی از یافته های تجربی تبدیل میکند که در بسیاری از موارد ربطی به هم ندارند. البته این بدان معنی نیست که دستاوردهای علوم بطور کلی کنار گذاشته شوند و بطور مثال آزمایشگاهها و نظریه های فیزیکی و فرمولهای شیمیایی و ... از دین یا قرآن و سنت استخراج شود، بلکه کلیت قضایا در یک متن متافیزیکی دینی قرار گیرد و نگرش به قضایا یک نگرش الهی باشد و نگرش به جامعه و جهان و هدف از زیستن ، در جهتی باشد که اسلام گفته است و لذا علم اسلامی و اقتصاد اسلامی می تواند وجود داشته باشد و نقطه آغاز حرکت در اقتصاد اسلامی، بررسی و تحلیل موضوعات با این نگرش و اهداف است.